

جواني علي عليه السلام الگويي براي جوانان



- مي گویند باید از حضرت علي (ع) الگو بگیریم! اما چگونه؟!... من يك جوان هستم! يك جوان با خصوصيات خاص دوران جواني! يك جوان با شور و نشاط خاص اين دوران که به خنده و تفریح، به شور و احساسات نیاز دارد و به الگویی که مرا به شور آورد!

- مي گویند باید از حضرت علي (ع) الگو بگیریم! اما چگونه؟!... من يك جوان هستم! يك جوان با خصوصيات خاص دوران جواني! يك جوان با شور و نشاط خاص اين دوران که به خنده و تفریح، به شور و احساسات نیاز دارد و به الگویی که مرا به شور آورد!

- با تمام اين حرفها، باز هم بهترين الگو براي تو و براي همه، مولاي متقيان است: و بخصوص جواني شان!

- جواني حضرت علي (ع)؟!

*الگو گرفتن يك الگو

- بله ! خود اميرالمؤمنين هم در جواني شان، الگو داشته اند. الگویشان هم پيامبر بوده است. علي (ع) از شش سالگي همراه و همراز پيامبر و در خانه ايشان زندگي مي کرده اند و در همه امور زندگي شان، حتي جزيي ترين مسائل هم به پيامبر اقتدا مي نمودند. يعني خود ايشان هم از يك انسان کامل و والاي ديگر، الگو مي گرفته اند.

- اما چگونه ؟!

- پيامبر اکرم (ص) و علي (ع) همواره با هم بودند، از هنگام عبادت و خلوت در غار حرا گرفته تا مراحل مختلف دعوت خويشان، دعوت عمومي در خانه خدا و حتي سفرهاي تبليغي پيامبر. علي (ع) هميشه اول صبح به دیدار پيامبر مي رفت و آنگاه يکديگر را شاداب و در آغوش مي کشيدند و احوال هم را مي پرسيدند. آندو بزرگوار اوقات زيادي از شبانه روز را در کنار هم به کار و تلاش مي پرداختند و گاه علي (ع) خالصانه عرق از پيشاني پيامبر (ص) پاک مي کرد و ايشان نيز صميمانه از او تشکر مي نمود.

علي (ع) خود در اين باره مي فرمايند : ((پيامبر (ص) مرا در دامن خود پروريد. من کودک بودم، پيامبر مرا چون فرزند خود در آغوش گرمش مي فشرد و در استراحتگاه مخصوص خود جاي مي داد... هرگز نيافت که من دروغي بگويم و در کردار من اشتباهي رخ دهد. من همچون بچه شتري تازه که پيوسته به دنبال مادرش هست، به دنبال او مي رفتم. او هر روز نکته هاي تازه اي از اخلاق را براي من آشکار مي ساخت. و مرا فرمان مي داد که در خط او حرکت کنم. آن حضرت مدتي از سال در کوه حرا به سر مي برد و کسي جز من او را نمي دید... من نور وحي و رسالت را ميديدم و بوي خوش و دل انگيز نبوت را احساس مي کردم.. موقعيتي که من در محضر رسول الله داشتم براي هيچ کس نبود.))

- بسيار خوب! تمام اين حرفها درست! اما حضرت علي، پيامبر را مي ديده اند، وجودشان را لمس مي کرده و به ايشان اقتدا مي کرده اند اما من چه؟! من که حضرت علي را نمي بينم، چگونه مي توانم از ايشان الگو بگیريم؟!

- تاريخ که روح، افعال و رفتار اميرالمؤمنين را ديده و نقل کرده است. از او استفاده کن! ازديدگان تاريخ!

- آري! مگر تو نمي گفتي الگويي مي خواهي که تو را به شور بياورد. آنچه مي تواند يك جوان را به شور بياورد، ديدن حماسه آفريني ها و شورمندي هاي کسي است که به او علاقمند است. حال چه کس ديگري را سراغ داري که به اندازه اميرالمؤمنين ، حماسه آفریده باشد. در همان کودگي که مصادف بود با آغاز بعثت پيامبر، کودکاني که به تحريك مشرکان، پيامبر را آزار مي دادند و سنگ مي پراندند، با شجاعت از اطراف پيامبر دور مي کرد. چه کسي ، شب را در بستري پر خطر بجاي ديگري، بجاي محبوبش خوابيده و از آن شب به عنوان لذتبخش ترين شب عمرش ياد کرده است؟ مگر رشادتهاي اميرالمؤمنين را در جنگ بدر نشيده اي؟! آن هنگام او فقط 25 سال داشته است و به گفته مورخين نيمي از کشته شدگان اين جنگ با ضرب شمشير علي (ع) از پاي در آمده بودند. مي داني در جنگ احد زمانیکه علي (ع) 26 سال داشت، آنجا که در همان اوائل جنگ پرچمدار 9 لشکر دشمن را به خاک انداخت و بعد هم هنگامی که پيامبر در خطر محاصره بود پروانه وار به دور آن حضرت مي چرخيد و از وجود مبارکشان محافظت مي کرد همه مردم چه ندائي را از آسمان شنيدند:

((لا فتى الا علي، لا سيف الا ذوالفقار))

((علي از همه جوانها بهتر است و ذوالفقار او از همه شمشيرها برنده تر))

- اما جنگ خندق و شجاعت بي همتاي علي (ع) و داوطلب شدن ايشان جهت مبارزه با عمرو بن عبدود يکي از نيرومندترين مردان عرب آري همانجا بود که پيامبر به واسطه اخلاص علي (ع) در اين مقابله بي نظير فرمود :

((ضربه علي يوم الخندق، افضل من عباده الثقلين))

به راستي که چنين حمله اي در وصف هيچ دلير مرد ديگري بيان نشده! در آن زمان اميرالمؤمنين 28 سال بيشتر نداشت!

در جنگ خيبر نيز هنگامیکه تمام مردان با تجربه و جنگ ديده سپاه اسلام، شکست خورده بازگشتند، علي (ع) به ميدان آمد و با فتح قلعه محکم و مقاوم خيبر آن پيروزي بزرگ را براي اسلام به ارمغان آورد.

به راستي که هيچ جوان ديگري، چنين جواني پرشور و هيجان انگيزي نداشته است.

همه مردان بزرگ تاريخ بشريت و پيشاپيش همه آنان علي (ع) در دوران جواني از رموز موفقيت خود بهره برده، راههاي پريچ و خم آن را با درخشندگي پشت سر نهاده، توانسته اند کارهاي بزرگي را به انجام رسانند.

*تفریح و شادی علی (ع)

- می دانی ای دوست عزیز: من هم حرفه‌ای تو را می پذیرم. اما جنگ و شور و حماسه فقط بخشی از زندگی انسان است. چیزهای دیگری هم هستند که آدمی باید به آنها هم توجه کند. الگوی کامل، باید در آن زمینه ها هم حرف برای گفتن داشته باشد. اینطور نیست؟

- حتماً همینطور است. و من به تو می گویم که امیرالمؤمنین در آن موارد هم، الگویی قابل قبول و کامل ارایه می دهد. آخر تو درباره زندگی امیرالمؤمنین چه فکر کرده ای؟

فکر می کنی تمام زندگی حضرت علی (ع) در جنگ و عبادت خلاصه شده؟

- یعنی اینطور نبوده است؟!

- نه که نبوده است! حضرت علی (ع)، مردی خوش رو و خندان بوده اند. همیشه تبسم خوش آیندی بر لب داشته اند که دل مؤمنان را شاد می کرده است. ایشان تفریح هم می کرده اند. منتها تفریح در دیدگاه علی (ع) ولگردی و اتلاف وقت یا روز را به شب رساندن نبود.

- پس تفریح علی (ع) چگونه بود ؟

علی (ع) کار را تفریح می دانست.

تفریح او را، مسافرت، کمک به دیگران، تحصیل و تدریس، سرودن، نوشتن، حفظ و قرائت قرآن، مباحثه، نگرستن به طبیعت و ورزش تشکیل می داد. پرداختن به ورزشهای شمشیربازی، پرتاب نیزه، اسب سواری، کشتی، وزنه برداری و شرکت در مسابقات ورزشی هم برای ایشان جنبه تفریح داشته است.

- چقدر جالب بوده است! احتمالاً به دلیل همین دیدگاه امیرالمؤمنین نسبت به تفریح و زندگی بوده است که اگر سرتاسر زندگی شان را مرور کنیم، لحظه ای توقف و سکون در آن نمی یابیم. گویی حتی يك لحظه هم با لحظه قبلی شان مشابه نبوده است. و درست به دلیل همین دیدگاه بود که شوخی و خنده هم در سیره مولای متقیان، شکل دیگری داشت.

- مگر شوخی و خنده علی (ع) چگونه بود؟

امیرالمؤمنین اهل شوخی و مزاح بود، اما نه شوخی های زننده و بی مزه! بلکه مزاح های معنادار و آموزنده! هرگاه که یکی از یاران و دوستانش را غمگین و گرفته می دید، با شوخی او را خوشحال می کرد تا اندکی از اندوهش کم شود. از همه مهمتر اینکه، شادی علی (ع) هنگامی بود که يك کافر، مسلمان می شد. جنگی به پیروزی ختم می شد، غذایی به فقیر می رساند، دل غمگیده ای را شاد می کرد، مشکلی را از کسی مرتفع می کرد و کودک یتیمی را ذوق زده می نمود. نکته دیگر هم این بود که مولای متقیان در شوخی هایش مراقب و محافظ حدود شرعی بود تا حتی به شوخی دروغ نگوید، دل مؤمنی را نشکند یا با زن و دختر نامحرمی، شوخی ننماید.

*علی و ارتباط با زنان و دختران

- به طور مثال همین چگونگی ارتباط داشتن با زنها و دخترهای نامحرم در جامعه، یکی از معضلات امروز ما جوانها است. بخاطر اینکه نه الگوی مناسبی در مورد آن ارائه شده و نه دیدگاه دین در مورد آن به خوبی مشخص و تبیین شده است. تازه، تندروی ها و کج رویهای گروهها و طبقات گوناگون در مرحله عمل را هم به آن اضافه کن.

اگر به سیره امیرالمؤمنین دقت کنی، می بینی که حضرت علی (ع) در سنین جوانی با زنان سالخورده اسلام سلام و احوالپرسی می نمود ولی با دختران و زنان جوان نه! حتی سلام هم نمی کرد. در حالیکه پیامبر در همان زمان با زنان و دختران هم سلام و احوالپرسی می کردند. چون زمانی که علی (ع) 20 ساله و درعنفوان جوانی چنین عمل می نمود، پیامبر اکرم (ص) قریب 50 سال از عمر شریفشان می گذشت بنابراین از آنجا که احتمال پیش آمدن گناه دست کم برای طرف مقابل دور از ذهن نبود، علی (ع) این تربیت شده مکتب پیامبر به عنوان يك جوان سعی داشت مسائل ارتباطی و حدود بین دختر و پسر یا به عبارتی زن و مرد را مراعات کند. هر چند وجود نازنین آن حضرت مبرا و پاکیزه از هر گونه آلودگی بود.

از طرفی پیامبر سه دختر جوان به نامهای زینب، ام کلثوم و فاطمه در خانه داشتند. حضرت علی (ع) با اینکه از کودکی به این خانه رفت و آمد داشتند، اما در این رفت و آمدها نهایت دقت را به عمل می آوردند. در حالیکه همین علی (ع) در دوران خلافتش، وقتی که حدود 60 سال سن داشت و همسر شهیدی را نیازمند کمک دید، به یاری او شتافت.

پس در ارتباط با افراد نامحرم، چیزی که بیش از عوامل دیگر اهمیت دارد

نیت و انگیزه طرفین و از همه مهمتر عدم امکان وجود مفسده در این ارتباط برای هر دو نفر است!

یاری رساندن به نیازمند و در طلب رضای خدا آنهم در حد ضرورت مطلوب است و لیکن این سیره جدایی از بهانه جویی برای آشنایی و استمتاع و لذت جویی و هرگونه آلودگی دیگر است.

به راستی که کسی چون حضرت علی (ع)، در سنین جوانی اش و در ریزترین حرکات و رفتارهایش بهترین الگوی نسل جوان ماست.

به نقل از سایت امام علی علیه السلام